

Scenarios Ahead the Islamic Republic of Iran towards JCPOA after the US Withdrawal

Mohammad Reza Dehshiri⁻

Associate Professor, Department of International Relations, Tehran, Iran,
(Corresponding Author) mohammadreza_dehshiri@yahoo.com

Seyed Mehdi Mirkazemi

MA in Regional Studies, School of International Relations, Tehran, Iran,
mehdimirkazemi8@gmail.com

Abstract

Purpose: The main purpose of this article is to examine the scenarios facing the Islamic Republic of Iran regarding the withdrawal of the United States from JCPOA. The authors try to analyze each of the scenarios using theoretical approaches in international relations in order to examine the best scenario for the future of JCPOA.

Method: The present research method is futuristic scenario-making, which is in the line with analytical and quasi-experimental studies. The main question of the present study is that among the scenarios of leaving JCPOA, negotiating with the United States to reconsider nuclear agreement, staying or returning the United States to JCPOA, which is possible, probable, justified and desirable?

Findings: The findings of this study include: negotiations with the United States on the revision of the JCPOA based on the Grossian view as the possible scenario; staying in JCPOA based on Kant's view as the probable scenario; gradual exit from JCPOA based on Hobbes's view as the justified scenario; and the return of the United States to the JCPOA and the fulfillment of Europe's economic and banking obligations based on the perspective of neo-functionalism as the desired scenario.

Results: Finally, it can be concluded that, given the US withdrawal, the justified scenario enjoys more utility; Going through gradual exit from JCPOA, I.R. Iran can give the European Union and the United States the opportunity to fulfill their obligations and return to JCPOA, on the one hand, and can restart its nuclear facilities with the least pressure, on the other hand.

Keywords: JCPOA, Scenarios, Iran, Futures Studies, US, EU.

دو فصلنامه آینده‌پژوهی ایران

مقاله پژوهشی، سال پنجم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۹ صفحه ۱۶۳-۱۸۷

سناریوهای پیش روی جمهوری اسلامی ایران در قبال برجام بعد از خروج ایالات

متحدہ آمریکا

محمدرضا دهشیری -

دانشیار دانشکده روابط بین الملل وزارت امور خارجه (نویسنده مسئول)

mohammadreza_dehshiri@yahoo.com

سید مهدی میرکازمی

دانش آموخته کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای دانشکده روابط بین‌الملل، mehdimirkazemi8@gmail.com

چکیده

هدف: هدف اصلی مقاله حاضر بررسی سناریوهای پیش روی جمهوری اسلامی ایران در قبال خروج آمریکا از برجام در چارچوب نظریه‌های روابط بین‌الملل است. نگارندگان با بهره‌گیری از رویکردهای نظری در روابط بین‌الملل ضمن تحلیل سناریوهای احتمالی، در صددند تا سناریوهای فراروی برجام را بررسی نمایند.

روش پژوهش: پژوهش حاضر آینده‌پژوهی براساس سناریوپردازی است که از مطالعات تحلیلی و شبه‌تجربی به شمار می‌رود. سؤال اصلی پژوهش این است که از میان سناریوهای بعد از خروج آمریکا از برجام، مذاکره با آمریکا برای تجدید نظر در برجام، ماندن در برجام و یا بازگشت آمریکا به برجام کدام یک ممکن، محتمل، موجه و مطلوب است؟

یافته‌های پژوهش: یافته‌های این پژوهش بیانگر آن است که سناریوی ممکن: مذاکره با آمریکا در مورد تجدید نظر در برجام براساس دیدگاه گروسیوسی، سناریوی محتمل: ماندن در برجام براساس دیدگاه کانتی، سناریوی موجه: خروج تدریجی از برجام براساس نگاه هابزی و سناریوی مطلوب: بازگشت آمریکا به برجام و ایفای تعهدات اقتصادی و بانکی اروپا براساس دیدگاه نوکارکردگرایی است.

نتیجه‌گیری: درنهایت چنین نتیجه‌گیری می‌شود که در زمان خروج آمریکا از برجام سناریوی موجه از مطلوبیت بیشتری برخوردار است، زیرا جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با خروج تدریجی از برجام از یکسو به اتحادیه اروپا و آمریکا فرصت دهد تا به ایفای تعهدات خود نسبت به برجام بازگردند، و از سوی دیگر با کمترین فشار، فناوری هسته‌ای خود را مجدداً ارتقا بخشد.

واژگان کلیدی: برجام، سناریوها، ایران، آینده‌پژوهی، آمریکا، اتحادیه اروپا.

۱- مقدمه

توافق نامه موسوم به برنامه جامع اقدام مشترک یا برجام (Joint Comprehensive Plan of Action (JCPOA)) یکی از مهم ترین توافق هایی به شمار می رود که در سال های اخیر میان ایران و قدرت های بزرگ صورت گرفته است. این توافق هسته ای به عنوان نقطه عطف در مذاکرات جمهوری اسلامی ایران با قدرت های بزرگ از سال ۱۳۸۲ هجری شمسی، یکی از موضوعات مهم و تاثیرگذار در سطح منطقه و نظام بین الملل بوده است. در پی توافق ایران با اعضای ۱+۵ در تاریخ ۲۳ تیرماه ۱۳۹۴ و تصویب آن در شورای امنیت در چارچوب قطعنامه ۲۲۳۱، شش قطعنامه قبلی که علیه ایران صادر شده و منجر به تحریم هایی در رابطه با فناوری هسته ای ایران شده بود لغو گردید. (غضنفری، ۱۳۹۴) اما با خروج ایالات متحده آمریکا در ۱۸ اردیبهشت ماه ۱۳۹۷ از برجام، بازگشت تحریم ها به صورت یک جانبه اعلام شد. جمهوری اسلامی ایران در ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۸ عدم تعهد خود را به رعایت محدودیت های مربوط به نگهداری ذخائر آب سنگین اعلام کرد و به کشورهای باقی مانده در برجام دو بار فرصت شصت روزه داد تا تعهدات خود را به ویژه در حوزه های بانکی و نفتی عملیاتی نمایند؛ و اعلام کرد چنانچه در این مهلت کشورهای مزبور قادر نباشند تعهدات خود را اجرایی کنند در مرحله بعدی جمهوری اسلامی ایران کاهش تعهدات مربوط به سطح غنی سازی اورانیوم و راکتور آب سنگین اراک را عملیاتی خواهد کرد.

اما مهم ترین پرسش های مربوط به این موضوع آن بود که آینده توافق برجام چه خواهد بود؟ آیا اتفاقات و رویدادهای بین المللی باعث برهم خوردن آن می شود؟ آیا احتمال رویارویی نظامی وجود دارد؟ آیا برآیند روندها و مؤلفه های موجود و ممکن، باعث تقویت مبانی برجام شده و رفته رفته با امنیت زدایی از پرونده هسته ای موجبات توافق بزرگتری را فراهم خواهد نمود؟ واکنش کشورهای ۱+۵ به سناریوهای پیش روی برجام چه خواهد بود؟ پژوهش حاضر در پی آن است که با توجه به ضرورت بهره گیری از روش آینده پژوهی در اتخاذ تصمیمات دقیق راهبردی، در موضوع هسته ای به ویژه با توجه به پیچیدگی های فرایند برجام، با اتکا به رویکردهای نظری روابط بین الملل به بررسی چهار سناریو پردازد: سناریوی ممکن: مذاکره با آمریکا در مورد تجدیدنظر در برجام، با توجه به اینکه هدف آمریکا با وضع دوباره تحریم ها تضعیف دولت ایران و اجبار تهران برای مذاکره مجدد و انعقاد یک قرارداد وسیع تر در مورد برنامه موشکی و تغییر رفتار ایران در منطقه است. در این سناریو، ایران مخالف مذاکره با آمریکاست در حالی که اتحادیه اروپا، چین و روسیه بی میل به مذاکره نیستند. سناریوی محتمل: ماندن در برجام، سناریوی موجه: خروج تدریجی از برجام و سناریوی مطلوب: بازگشت آمریکا به برجام و ایفاء تعهدات اقتصادی، نفتی و بانکی اروپاست.

واقعیت آن است که موضوعات آینده‌پژوهی دربرگیرنده سناریوهای ممکن، محتمل، مطلوب و موجه برای دگرگونی از حال به آینده‌اند که به جای تصور تنها یک آینده به گمانه‌زنی‌های نظام‌مند و خردورزانه برای چند سناریوی آینده مبادرت می‌شود. در زمینه توافق برجام و همچنین سناریوپردازی‌های مربوط به آن مقالات و کتب مختلفی وجود دارد که هدف آنها بررسی ابعاد برجام و امکان موفقیت آن است.

دلخوش (Delkhosh) در مقاله‌ای در سال ۱۳۹۶ تحت عنوان «برجام و پسابرجام از دیدگاه حقوق بین‌الملل» این سؤال را مطرح می‌کند که آیا ایالات متحده آمریکا یا دیگر اعضای برجام امکان نقض حقوقی برجام را دارند؟ و سعی می‌کند با بیان ماهیت حقوقی سند برجام و روشن‌سازی مبنای اصلی این سند به بررسی شیوه اجرای کنونی برجام از سوی طرف‌های آن و ارزیابی‌های طرف ایران از اجرای سند بپردازد.

حاجی‌مینه و صالحی (Hajimineh and Salehi) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی دو گفتمان اروپایی و آمریکایی در قبال برجام» گفتمان اروپایی و آمریکایی در قبال برجام را مخصوصاً بعد از ورود ترامپ به قدرت تشریح می‌نماید. در این چارچوب، دونالد ترامپ سیاست کاملاً تهاجمی نسبت به برجام دارد و اعتقاد به مقابله با نفوذ منطقه‌ای ایران و اعمال فشارهای یک‌جانبه سیاسی و اقتصادی با هدف بازنگری در توافق برجام را دارد.

رحمتی (Rahmati) با مقاله «پنج راهبرد آمریکا بعد از برجام» نگاهی منفی نسبت به تعامل با آمریکا دارد و به تشریح سیاست مهار آمریکا می‌پردازد. پروکویچ (Prokovic) در مقاله «پیامدهای برنامه جامع اقدام مشترک» به شرح ویژگی‌های نوآورانه توافق‌نامه به منظور کاهش خطرات برنامه‌های انرژی هسته‌ای غیرنظامی برای رویکردهای خلع سلاح هسته‌ای در آینده می‌پردازد. استفان والت (Stephen Walt) در مقاله‌ای در نشریه معتبر فارین پالیسی (Foreign Policy) تحت عنوان «اتحادیه اروپا هیچ کلیدی برای مقابله با آمریکا ندارد» در تاریخ ۲۰۱۸، معتقد است که مخالفان برجام در آمریکا امیدوارند که ایران از این بازی خسته شود و خود از توافق برجام خارج گردد.

لاورنس نورمن (Laurence Norman) در سال ۲۰۱۹ میلادی مقاله‌ای تحت عنوان «گزینه اندک اروپا برای حفظ برجام» نوشت که در آن معتقد است با ضرب‌الاجل ۶۰ روزه ایران، اتحادیه اروپا گزینه‌های محدودتری برای حفظ برجام در اختیار دارد و ممکن است به اعمال تحریم علیه ایران دست بزند. روزنبرگ و گلدنبرگ (Rosenberg and Goldenberg) با انتشار مقاله‌هایی در نشریه فارین پالیسی به این امر اشاره کردند که با اعلام فرصت ۶۰ روز به اروپا هنوز فرصت مذاکره با ایران از دست نرفته است و می‌توان برجام را با دیپلماسی مذاکره احیا نمود. همچنین استفان والت در رابطه با «سیاست‌های آمریکا در قبال ایران»، پنج سناریو

سناریوهای پیش روی جمهوری اسلامی ایران در قبال برجام بعد از خروج ایالات متحده آمریکا/۱۶۷

نمایش موزیکال، فشار به ایران برای امضای توافق جدید، تغییر حکومت ایران، ایجاد بهانه برای حمله پیشگیرانه و در نهایت سیاست مهار را بررسی کرده است.

نوآوری پژوهش حاضر بر این اصل استوار است که چهار سناریو پیش روی جمهوری اسلامی ایران را در قبال برجام با لحاظ همه شرایط سیاسی، اقتصادی و نظامی ممکن و عوامل پیشران و بازدارنده آن بیان نماید. همچنین هدف اصلی پژوهش حاضر شناسایی سناریوهای پیش روی جمهوری اسلامی ایران و تفسیر آنها براساس رویکردهای نظری روابط بین‌الملل مشتمل بر: دیدگاه گرسیوسی مبتنی بر رقابت در عین همکاری، دیدگاه هابزی یا تقابل و دشمنی، دیدگاه کانتی مبتنی بر همکاری و دیدگاه نوکارکردگرایی مبتنی بر واهمگرایی است. همچنین هدف فرعی این مقاله بررسی سیاست‌ها و خط مشی اتحادیه اروپا در قبال برجام است که از این رهگذر می‌توان مؤثرترین و عقلانی‌ترین سیاست را برای جمهوری اسلامی ایران پیشنهاد نمود. از دیگر اهداف پژوهش می‌توان به بررسی موضوعات سناریونویسی در چارچوب آینده‌پژوهی اشاره نمود. روش به کار برده شده در این پژوهش روش آینده‌پژوهی براساس سناریونویسی است. به عبارت دیگر، این پژوهش با هدف واکاوی سناریوهای پیش روی جمهوری اسلامی در قبال خروج یک جانبه ایالات متحده از توافق برجام گردآوری شده و در ردیف مطالعات تحلیلی شبه تجربی قرار دارد. لذا در مقاله حاضر، نخست چارچوب نظری بررسی و سپس سناریوهای پیش رو واکاوی می‌شود.

۲- سناریونویسی و آینده‌پژوهی

مفهوم برنامه‌ریزی براساس سناریو، نخستین بار پس از جنگ جهانی دوم به عنوان روشی برای برنامه‌ریزی نظامی ظاهر شد. نیروی هوایی آمریکا سعی در تصور این امر داشت که دشمنان ممکن است چه کاری انجام دهند و برای آماده سازی راهبردهای بدیل چه باید کرد. فشار زیاد برای استفاده از سناریوها به عنوان یک مدل سازمانی یا نهادی برای شفاف‌سازی ایده‌ها در مورد آینده، به وزارت دفاع در دهه ۱۹۵۰ بازمی‌گردد. در دهه ۱۹۶۰، هرمان کان (Herman Kahn) که با نیروی هوایی آمریکا همکاری داشت، سناریوها را به عنوان ابزاری برای پیش‌بینی کسب و کار مطرح ساخت. او تبدیل به یکی از آینده‌پژوهان برجسته آمریکا شد. سهم عظیم کان در تفکر نظامی، پله ترقی وی بود. مراحل یا تمایزات مشخصی بین وقوع جنگ یا عدم وقوع جنگ تحت شرایط متفاوت وجود دارند. او نمونه‌ای از این گام‌ها را توصیف کرد. برای ترکیب واقعیت با این گام‌ها، باید به بیان جزئیات چگونگی ظهور آنها، پاسخ دادن به آنها و خلق یک موقعیت نهایی یا خط پایه جدید پرداخت. این کار تنها با پرداختن به پیچیدگی امکان‌پذیر است. ذهن انسان، قادر به ترکیب و ادغام عمیق است، اما این کار سخت است.

دو فصلنامه آینده‌پژوهی ایران، مقاله پژوهشی، سال پنجم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۹، صفحه ۱۶۳-۱۸۷

ارزش عظیم و بالای سناریو، انتخاب عناصر پیچیده و درهم تنیدن آنها به صورت یک داستان است که به شیوه‌ای منسجم، نظام‌مند، جامع و قابل تعمق ارائه می‌شود.

در اوایل دهه ۱۹۷۰، سناریوها در نتیجه کار که یک برنامه‌ریز در دفاتر لندن شرکت رویال داچ / شل (Royal Dutch Shale) در بخش تازه تأسیس برنامه‌ریزی گروهی بود، به بُعد جدیدی رسید. موج جدید تمایل و رویکرد به برنامه‌ریزی براساس سناریو اغلب ناشی از آثار فراموش نشدنی بحران نفتی ۱۹۷۳ است که متوجه احتمال وقوع تغییرات عمده غیرمنتظره در نظام بین‌المللی اقتصاد شد. برنامه‌ریزان به دنبال رویدادهایی بودند که ممکن است بر قیمت نفت اثر بگذارد و چندین رویداد مهم را یافتند که در حال ظهور بودند. یکی از آنها، تحلیل رفتن ذخایر نفتی ایالات متحده بود. (Rialland & Wold, 2009) همزمان، تقاضای آمریکا برای نفت به شیوه‌ای ثابت رو به افزایش بود و سازمان در حال ظهور کشورهای صادرکننده نفت (اوپک)، علایمی از قدرت سیاسی خود را نشان می‌داد. اکثر این کشورها مسلمان بودند و به شدت از حمایت غرب از اسرائیل پس از جنگ شش‌روزه ۱۹۶۷ عصبانی بودند. تیم و گروه برنامه‌ریزی با نگاه به این وضعیت و موقعیت دریافت که اعراب قیمت‌های بسیار بالاتری برای نفت خود می‌خواستند و تمامی دلایل گواهی بر این امر بود. به نظر می‌رسید که این امر قبل از سال ۱۹۷۵ رخ دهد، یعنی هنگامی که در مورد موافقت‌نامه‌ها و توافق‌های صورت گرفته در مورد قیمت قدیمی و گذشته نفت مذاکرات مجددی صورت گیرد. گروه وی دو سناریو نوشتند که هر یک حاوی مجموعه کاملی از داستان‌ها در مورد آینده و جداول قیمت‌های نفت بود. داستان اول، تفکر معمول و عادی را در شل نشان می‌داد: بهای نفت تا حدی ثابت باقی می‌ماند. اما برای رسیدن به این هدف، باید معجزه‌ای رخ دهد. به عنوان مثال، میدان‌های جدید نفتی در کشورهای غیرعربی یافت شوند. سناریوی دوم به آینده‌ای دیگر نگاه می‌کرد: بحران نفتی ناشی از اقدام اوپک. پس از ارائه این سناریوها به مدیریت شل، تغییری در رفتار آنها رخ نداد. آنها یک گام پیش رفتند و سناریوهای عواقب کامل شوک‌های احتمالی بهای نفت را توصیف کردند و سعی داشتند که افراد از طریق سناریو این شوک‌ها را درک کنند. برنامه‌ریزان به مدیریت شل هشدار دادند، مبنی بر این که ممکن است صنعت نفت دچار رشد اندک و پایین شود، چرا که کشورهای اوپک در صدد در اختیار گرفتن میدان‌های نفتی شل خواهند بود. آنها نیروهای موجود در جهان را توصیف کردند و اینکه این نیروها می‌توانند چه نوع تأثیری بگذارند. این امر به مدیران شل کمک کرد تا به تصور تصمیم‌هایی که باید بگیرند، بپردازند. در اکتبر ۱۹۷۳، پس از جنگ یوم کیپور در خاورمیانه، شوک بهای نفت روی داد و هیچ یک از شرکت‌های عمده نفتی، به جز شل، آماده این تغییر نبودند. مدیریت شرکت به سرعت به آن پاسخ داد و در سال‌های بعد از جایگاه یکی از ضعیف‌ترین هفت شرکت بزرگ نفتی تا آن زمان به دومین

سناریوهای پیش روی جمهوری اسلامی ایران در قبال برجام بعد از خروج ایالات متحده آمریکا/۱۶۹

شرکت از نظر حجم و شماره یک از نظر سودآوری رسید. (Rialland & Wold, 2009) در نتیجه، هدف برنامه ریزی براساس سناریو، کمک به مدیران جهت تغییر دیدگاه شخصی آنها از واقعیت و نزدیک تر نمودن آن به واقعیت و آینده های احتمالی است. هدف نهایی، تصویر دقیق پیش بینی فردا نیست، بلکه اخذ تصمیم های بهتر در مورد آینده های احتمالی (آینده نگاری) است. توجه عموم به استفاده از سناریوها با انتشار این موضوع بحث انگیز و جنجالی، جلب شد. (Ibid)

نظریه های متعارض و سناریوهای پیش روی جمهوری اسلامی ایران

در نظام بین الملل کنونی به دلیل منافع متعارض بازیگران و همچنین آناشیک بودن فضای بین-الملل عموماً چهار دیدگاه حاضر وجود دارد که می توان سناریوهای پیش روی جمهوری اسلامی ایران را براساس آنها تفسیر کرد.

الف. دیدگاه هابزی (دشمنی): در فرهنگ هابزی که وجه قالب سیستم بین الملل در قرن هفدهم بوده است دولت ها یکدیگر را دشمن هم قلمداد می کرده اند؛ به طوری که عموماً کشورها استفاده از قدرت را برای دستیابی به منافع ملی و حفظ بقای خود الزامی می دانستند. (دانش نیا، ۱۳۹۴: ۵۸) شیوه تصمیم گیری در این دیدگاه، مبتنی بر بدبینی، بی اعتمادی و تحلیل بدترین شرایط ممکن است. قدرت به رمز بقا تبدیل می شود و در نتیجه دولت ها برای حفظ وضع موجود، به استراتژی اگر خواهان صلح هستید خود را آماده جنگ کنید، متوسل می شوند. همچنین وجه غالب این دیدگاه استفاده از مفهوم خودیاری (Self-Helping) است که در آن، دولت ها سعی می کنند با استفاده از قدرت خود منافع ملی خویش را به حداکثر برسانند. بنابراین اگر روابط بین دولت ها به نزاع و جنگ کشیده شود طرفین هیچ حدی برای اعمال خشونت قائل نخواهند بود. (ونت، ۱۳۸۴: ۳۸۳)

ب. دیدگاه کانتی (همکاری): بالاترین دیدگاه یا فرهنگ همکاری بین کشورها فرهنگ کانتی است. دوستی میان کشورها براساس رفع اختلافات و تعارضات بدون توسل به زور و یا تهدید به جنگ صورت می گیرد. در چهارچوب فرهنگ کانتی دولت ها باید بتوانند به گونه ای مسالمت آمیز، روابط موجود میان خود را براساس یک رشته معیارهای کلی تنظیم کنند تا از بروز خشونت جلوگیری شود. کانت به نقش نهادهای فوق ملی و توافقات بین کشورها در تضمین ثبات و حفظ صلح باور دارد. دیدگاه کانت بر این استوار است که همکاری های اقتصادی انگیزه حفظ روابط صلح آمیز بین دولت ها است. درگیری خشونت آمیز دسترسی به بازارها، واردات و سرمایه را به خطر می اندازد. (دان، ۱۳۹۶: ۲۰۱-۱۹۸)

مفهوم بعدی اندیشه کانتی لزوم چندجانبه‌گرایی است، به‌طوری‌که در چندجانبه‌گرایی منافع بازیگران پیرامون موضوع خاصی شکل می‌گیرد و همکاری بین دولت‌ها را تسهیل و منافع ملی هریک را در چهارچوب رژیم بین‌المللی تضمین می‌کند. (دوئرتی و فالتزگراف، ۱۳۹۶: ۵۷۵)

ج. دیدگاه گرسیوسی (رقابت در عین همکاری): این دیدگاه که بیانگر مکتب انگلیسی است راهی بین واقع‌گراها و لیبرال‌ها را در پیش گرفت و درحقیقت آراء گرسیوس مبتنی بر خردگرایی است. تلقی دولت‌ها از یکدیگر به مثابه رقیب است که البته همکاری نیز یکی از عوامل مهم در این دیدگاه به شمار می‌آید. اگرچه زور و خشونت در اینجا نیز جهت تقویت منافع کاربرد دارد، اما دولت‌ها از حذف یکدیگر خودداری می‌کنند. (ونت، ۱۳۸۴: ۲۵۳)

طرفداری از وضع موجود، ویژگی بارز دیدگاه گرسیوسی است و همچنین کشورها باید بر اساس انتخاب عقلانی افق‌های کوتاه‌مدت و قدرت نسبی تصمیم‌گیری کنند و امکان رقابت، روابط آنها را انعطاف‌پذیرتر می‌سازد و در صورت بروز جنگ، کشورها سعی در استفاده از خشونت محدود خواهند کرد. (همان: ۴۱۲) دیدگاه گرسیوسی بر نقش دیپلماسی نیز تأکید می‌کند، به‌طوری‌که بازیگران بین‌المللی می‌توانند از طریق مذاکره و دیپلماسی همکاری برای تأمین منافع ملی خود را پیگیری نمایند.

د. مکتب نوکارکردگرایی: این مکتب که بیانگر دیدگاه ارنست هاس (Ernst Haas) است به نقش توافقات و نهادهای بزرگتر برای تأمین منافع ملی اشاره می‌کند. همگرایی بین بازیگران در سطح جهانی اتفاق می‌افتد و بازیگران معتقدند که لزوم همگرایی با سایر بازیگران، امری بدیهی برای تأمین منافع ملی است. در این مکتب حیات اقتصادی کشورها به یکدیگر وابسته است و مفهوم تسری افقی - عمودی (Spill-Over) نیز بر این امر دلالت دارد که همکاری بازیگران در یک حوزه می‌تواند به سایر بخش‌های کارکردی سرایت نماید و به منافع جمعی دست یابند. (دوئرتی و فالتزگراف، ۱۳۹۶: ۵۸۴)

همچنین هاس معتقد است که منافع مبتنی بر ملاحظات عمل‌گرایانه مثل دستیابی به عواید اقتصادی اگر با تعهد عمیق ایدئولوژیک همراه نباشد می‌تواند زودگذر و بی‌دوام باشد که در اینجا نوکارکردگرایان مفهوم بازگشت (Spill-Back) را مطرح می‌نمایند که در آن بازیگران به دلیل دستیابی کامل به منافع خود از حضور در آن سازمان یا توافق سر باز می‌زنند. (همان: ۵۸۵)

سناریوهای پیش روی جمهوری اسلامی ایران

سناریوهای پیش روی جمهوری اسلامی بعد از خروج ایالات متحده آمریکا از برجام را بر اساس رویکردهای نظری روابط بین الملل می‌توان به شرح زیر توصیف کرد:

۱- سناریوی ممکن: مذاکره با آمریکا در مورد تجدید نظر در برجام

خروج ایالات متحده آمریکا از برجام را می‌توان تصمیمی پوچ و بدون مشاوره صحیح دانست. برجام بلافاصله بعد از تصویب در وین در یک قطعنامه رسمی شورای امنیت سازمان ملل رسمیت یافت با این حال مذاکره‌کنندگان آمریکایی در روند پیش‌نویس قطعنامه، همه تلاش خود را برای غیرالزام‌آور کردن برجام از سوی سازمان ملل متحد انجام دادند. آنچه مشخص است اقدامات ایران در مورد برجام به صورت مرحله‌ای و آهسته است که این امر می‌تواند شرایط لازم را برای ایجاد مذاکرات جدید برای طرفین فراهم آورد. استراتژی ایران بعد از خروج آمریکا از برجام، ماندن در توافق هسته‌ای، کسب مزایا و منافع اقتصادی از چین، روسیه و اروپا، تلاش برای منزوی کردن آمریکا و دوری از تقابل نظامی با این کشور بود. به نظر می‌رسد ایران این استراتژی را همچنان دنبال می‌کند و در عین حال بر روی پروژه تصمیم بزرگتری با هدف حفظ غرور ملی و سیاست داخلی و اهرم مذاکراتی آینده کار می‌کند. در این بین روسیه، چین و اتحادیه اروپا سعی در تشویق ایران برای حفظ برجام دارند. اتحادیه اروپا سعی در تسهیل مبادلات بانکی انگلستان، فرانسه و آلمان با ایران را دارند، زیرا از این طریق می‌توانند اندک منابعی برای رضایت ایران فراهم آورند و اگر موفق نشوند اروپا به طور حتم به تحریم‌های آمریکا علیه ایران خواهد پیوست. (اندیشکده صدق، ۱۳۹۴) چین نیز با اعتراض به تحریم‌های نفتی علیه ایران سعی در ادامه خرید نفت از ایران دارد. همچنین روسیه برای ادامه مذاکرات در مورد برجام در تلاش خواهد بود که بتواند بیشترین منافع اقتصادی و سیاسی را کسب نماید. موضع حائز اهمیت این است که اگر ایران نتواند به نتایج مورد نظر خود در برجام دست یابد به صورت آهسته برنامه هسته‌ای خود را دنبال خواهد کرد و سعی در افزایش ظرفیت تولید سانتریفیوژها خواهد نمود، اما در عین حال جمهوری اسلامی ایران گزینه مذاکره را به روی اعضا برجام مخصوصا ایالات متحده باز خواهد گذاشت، زیرا در غیر این صورت اجماع جهانی علیه ایران شکل خواهد گرفت. (New York Times, 2019) البته دولت ایران این امکان را نیز در نظر دارد که تا انتخابات ۲۰۲۰ آمریکا صبر نماید زیرا ممکن است با ورود فردی انعطاف‌پذیر به پست ریاست جمهوری در آمریکا فرصتی جدید برای مذاکره پیرامون برجام فراهم آید. هدف ایالات متحده آمریکا از فشار حداکثری بر ایران اجبار تهران به

بازگشت به میز مذاکره و متقاعد ساختن ایران به پذیرش ۱۲ شرط پمپئو است که یک سال پیش در سال ۲۰۱۸ طرح نموده است. شرایطی که اگر تحقق یابد ایران دست از حمایت خود از حزب الله، بشاراسد و حوثی‌ها خواهد کشید؛ همچنین از تاثیرگذاری بر عرصه سیاسی در عراق محروم خواهد شد و محدودیت‌های جدیدی بر فعالیت‌های هسته‌ای و موشکی خود اعمال خواهد کرد. این دیدگاه بر آن است که فشارهای اقتصادی بر ایران در یک دهه گذشته این شرایط را فراهم نموده است تا دولت جمهوری اسلامی ایران در مورد برنامه هسته‌ای خود به مذاکره بپردازد. (Laszlo, 2019)

با فشارهای نومحافظه‌کارهایی همچون جان بولتون در دولت ترامپ برای حمله نظامی به ایران، ایالات متحده آمریکا ناوهای خود را در خلیج فارس قرار داده است که البته احتمال بروز درگیری نظامی بین طرفین بسیار اندک است؛ زیرا دولت ترامپ همواره علیه هزینه‌های هنگفت نظامی آمریکا در خاورمیانه انتقاد کرده است و خواهان پی‌ریزی جنگی جدید در منطقه نیست و رهبران جمهوری اسلامی ایران نیز همواره عنوان نموده‌اند که خواهان جنگ در منطقه نیستند. اما با همه این تفاسیر، گروه‌های تندرو در آمریکا معتقدند که درگیری نظامی اجتناب‌ناپذیر خواهد بود؛ چرا که سیاست‌های دولت ترامپ موجب حرکت برنامه هسته‌ای ایران به سوی کاهش محدودیت‌ها شده است و همچنین این سیاست‌ها باعث منزوی ساختن ایالات متحده آمریکا در عرصه جهانی و مورد تردید قرار دادن تحریم‌ها شده است. (اندیشکده صدق، ۱۳۹۴)

تقابل نظامی نیز قریب‌الوقوع نیست؛ چراکه این احتمال وجود دارد که طرفین به یک راه حل دیپلماتیک برای رفع آن بسنده نمایند. برای دولت آمریکا استفاده از جنگ روانی حاصل از جنگ می‌تواند اقتصاد ایران را تحت تأثیر قرار دهد و از طریق آن بتواند ایران را برای دستیابی به یک توافق جامع‌تر از برجام پای میز مذاکره بیاورد. (Wall Street Journal, 2019)

تحریم‌های اقتصادی را می‌توان به عنوان بخشی از سیاست محدودسازی ایالات متحده علیه ایران دانست. هم‌اکنون مرحله پایانی تحریم‌های اقتصادی و راهبردی آمریکا در برابر ایران نیز به مرحله اجرا درآمده است. نشانه چنین فرایندی را باید در محدودیت‌های جدید اعمال‌شده در حوزه سوئیفت مالی، کشتیرانی، بیمه، هوانوردی و همکاری‌های اقتصادی در حوزه صنعتی دانست. طبیعی است که چنین فرایندی آثار خود را در اقتصاد، سیاست و روابط خارجی ایران به جا خواهد گذاشت. هدف اصلی دونالد ترامپ این بوده که محدودیت‌های اقتصادی اعمال‌شده علیه ایران بتواند مدار جدیدی از مذاکرات دیپلماتیک ایجاد نماید تا از طریق آن دولت آمریکا بتواند توافق‌نامه جامع‌تری را با ایران امضا نماید و امیدوار است بتواند رفتار جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاورمیانه را کنترل نماید. (اندیشکده صدق، ۱۳۹۴)

اما دولتمردان جمهوری اسلامی ایران بر این امر تأکید دارند تا زمانی که رفتار قلدرمآبانه دولت آمریکا وجود دارد

سناریوهای پیش روی جمهوری اسلامی ایران در قبال برجام بعد از خروج ایالات متحده آمریکا/۱۷۳

امکان مذاکرات جدید با این کشور وجود ندارد. آنچه مسلم به نظر می‌رسد این است که تا زمانی که ایالات متحده آمریکا حسن نیت خود را در رابطه با ایران نشان ندهد مقامات جمهوری اسلامی ایران درهای مذاکره را با این کشور باز نخواهند کرد؛ زیرا ایران با سیاست خود مانع فروپاشی برجام شده است، همچنین با اقدامات مرحله‌ای و تدریجی حسن نیت خود را به اعضای توافق‌نامه برجام نشان داده است. اولین اقدام مفید ایالات متحده آمریکا می‌تواند اعلام مجدد معافیت‌ها از تحریم‌ها و فراهم کردن امکان فروش هواپیماهای غیرنظامی به ایران مطابق بند ۲۲ برجام باشد. مذاکرات بین ایران و شرکت هواپیمایی بوئینگ و ایرباس پس از حصول توافق هسته‌ای آغاز، اما در پی خروج دولت ترامپ از توافق متوقف شد. چنین اقدامی از سوی آمریکا می‌تواند فرصت‌های شغلی برای این کشور نیز فراهم آورد و از سوی دیگر برای اقتصاد اروپا نیز مفید خواهد بود. اقدام دوم از سوی ایالات متحده آمریکا می‌تواند تجدید معافیت‌ها از تحریم‌های نفتی برای مشتریان اصلی ایران از جمله هند و چین باشد. چنین اقدامی تنش در بازار بین‌المللی نفت را نیز کاهش می‌دهد. سومین قدم نیز می‌تواند کاهش محدودیت‌های اعمال‌شده بر بخش بانکداری ایران باشد که نه تنها می‌تواند حسن نیت این کشور را مشخص نماید، بلکه این فرصت را فراهم آورد تا ایران قوانین مربوط به مبارزه علیه پولشویی و تأمین مالی تروریسم را تصویب نماید. (Laszlo, 2019)

قدم بعدی ایران می‌تواند خودداری از تولید بیشتر از ۳۰۰ کیلوگرم اورانیوم غنی‌شده باشد و در سطح پایین همچنان به برجام متعهد ماند. چنین اقدامات متقابلی می‌تواند عناصر شکل‌گیری یک توافق ضمنی را فراهم آورد و درواقع نوعی توافق‌نامه غیررسمی را بین دو طرف شکل دهد؛ توافقی که در آن، دولت ترامپ می‌تواند ادعا کند فعالیت‌های موشکی و هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران و اقدامات منطقه‌ای ایران را در خاورمیانه کنترل نموده است. از سوی دیگر دولت روحانی نیز می‌تواند از این طریق تعدادی از تحریم‌های سخت آمریکا را خنثی نماید و مشروعیت فعالیت‌های هسته‌ای ایران را نیز برای آینده فراهم آورد. (Vivaldelli, 2019)

بنابراین براساس دیدگاه گرسیوسی بازیگران بین‌المللی در عین رقابت با یکدیگر سعی در کاهش خشونت بین‌المللی و منطقه‌ای دارند. ایالات متحده، ایران و دیگر اعضای برجام همگی سعی در رفع تناقضات بین‌المللی دارند و چندان تمایلی به ایجاد جنگ و نزاع نخواهند داشت و اگر جنگی رخ دهد طرفین درگیر، سعی بر اعمال خشونت محدود خواهند نمود. بدین ترتیب در صورت جنگ احتمالی بین ایران و ایالات متحده آمریکا طرفین مواضع یکدیگر را مورد تهاجم قرار خواهند داد؛ کما این که ایالات متحده با نقض حریم دریایی و هوایی جمهوری اسلامی ایران توسط پهباد گلوبال هاوک (Global Hawk) در خلیج فارس نشان داد که به دنبال جنگ وسیع با ایران نیست.

عامل پیشران دیگر در رابطه با مذاکره ایران و ایالات متحده نقش بازیگران منطقه‌ای و بین-المللی برای ایفای نقش میانجیگر بین دو بازیگر است. در مکتب انگلیسی گرسیوسی که دیدگاه میانه را در روابط بین‌الملل مطرح می‌کند منافع بازیگرانی از جمله ایران و آمریکا را می‌توان بر اساس همکاری تأمین نمود که در این میان ایفای نقش میانجیگری و دعوت به همکاری یکی از نمودهای آن است. در این شرایط نقش دیپلماسی بسیار حائز اهمیت است، به‌طوری‌که بازیگران بزرگ بین‌المللی از جمله اتحادیه اروپا، ژاپن، چین و روسیه سعی می‌کنند تا بتوانند از طریق دیپلماسی فعال و میانجیگری تنش‌های موجود بین ایران و آمریکا را به حداقل برسانند. عمان، سوئیس، ژاپن و فرانسه و حتی آلمان برای ایفای نقش میانجیگری اعلام آمادگی نموده‌اند. سفر شینزو آبه (Shinzo Abe)، نخست‌وزیر وقت ژاپن، به تهران که با ابتکار عمل ترامپ صورت گرفته بود، برای کاهش تنش در خاورمیانه و ایجاد مذاکرات جدید درباره برجام بود. آنچه مسلم است جمهوری اسلامی ایران حذف تحریم‌های اقتصادی اعمال‌شده آمریکا را ضروری می‌داند، اما مذاکره مستقیم با آمریکا را نیز رد خواهد کرد؛ بنابراین ایفای نقش میانجیگری نتیجه‌بخش خواهد بود، زیرا برای طرفین بازی، حاصل جمع متغیری را در برخواهد داشت. دولت ترامپ از ابزار مذاکره با ایران تحقق اهداف انتخاباتی خود را دنبال کرده و از سوی دیگر دولت ایران می‌تواند با کمک مذاکرات جدید، اقتصاد خود را بازسازی و سایه جنگ را در منطقه کمرنگ نماید.

همچنین فرانسه و آمریکا طی مذاکراتی به نقش میانجیگر امانوئل مکرون (Emmanuel Macron) تأکید نموده‌اند تا توافق‌نامه جدیدی در کنار برجام شکل گیرد و ایران ملزم به رعایت شروط محدود کردن برنامه موشکی خود و افزایش زمان مشخص‌شده برای غنی‌سازی ایران از ده سال به ۲۵ سال تا سطح ۳/۵ درصد شود. (Kerr & Katzman, 2018)

یکی دیگر از عوامل پیشران در جهت تحقق سناریو مذاکره ایران با آمریکا برای ایجاد توافقی جدید، می‌تواند انعطاف بیشتر ایالات متحده نسبت به ایران باشد، زیرا دولت دونالد ترامپ و شخص وی افرادی معامله‌گرند، به همین دلیل سعی بر اعمال سیاست‌ها و مواضع نرم‌تر نسبت به ایران می‌تواند جمهوری اسلامی ایران را به میز مذاکره نزدیک‌تر نماید. بسیاری از نومحافظه-کاران آمریکایی از جمله جان بولتون به دنبال حمله مستقیم نظامی به ایرانند، اما رئیس‌جمهور ایالات متحده به کاهش تنش‌ها تمایل نشان می‌دهد.

۲- سناریو محتمل؛ ماندن در برجام

سیاست جمهوری اسلامی ایران بعد از خروج ایالات متحده آمریکا از برجام سیاست صبر استراتژیک بوده است، اما بعد از سیری شدن یک سال به دنبال تغییر آهسته و مرحله‌ای در

سناریوهای پیش روی جمهوری اسلامی ایران در قبال برجام بعد از خروج ایالات متحده آمریکا/۱۷۵

سیاست‌های خود در قبال برجام است. توافق هسته‌ای ایران مانند بسیاری دیگر از توافقات بین‌المللی ممکن است نقایصی داشته باشد، اما اعضای برجام و همچنین سایر کشورهای اروپایی و جهان بر این امر تأکید می‌کنند که حفظ برجام جزء لاینفک حفظ صلح و امنیت منطقه و جهان است. جمهوری اسلامی ایران با انتشار بیانیه شورای عالی امنیت ملی خود در اردیبهشت ۱۳۹۸ بر این امر تأکید کرد که حفظ توافق برجام منوط به ادای تعهدات اروپا در زمینه‌های بانکی و نفتی است. اتحادیه اروپا و تروئیکای اروپایی یعنی انگلستان، فرانسه و آلمان در پاسخ به بیانیه تهران واکنش نشان دادند و گفتند تلاش خود را برای حفظ توافق برجام و کمک به اقتصاد ایران انجام خواهند داد و جمهوری اسلامی ایران را برای پایبندی به تعهدات خود و انجام ندادن اقدام تهاجمی ملزم دانستند. به عبارت دیگر، اروپا می‌تواند اقداماتی کوچک، اما نمادین مهمی را انجام دهد تا از طریق آن بتواند دولت ایران را برای ماندن در توافق هسته‌ای قانع نماید. (Laszlo, 2019) ایجاد مکانیسم مالی یا کانال مالی ایران و اتحادیه اروپا موسوم به اینستکس گامی مهم در این جهت است. این کانال مالی، مکانیسم‌های لازم برای تسهیل صادرات کالا به ایران را از طریق شرکت‌های تابع فراهم می‌آورد و تحریم‌های یک‌جانبه ایالات متحده علیه ایران را کمرنگ‌تر می‌نماید. در این سازوکار ایران به طور مستقیم به درآمدهای خود دسترسی ندارد، بلکه می‌تواند از سوئیفت اروپایی برای پرداخت تعهدات خود در قبال خرید کالا از شرکت‌های اروپایی اقدام کند. اینستکس نیاز به منابع ورودی دارد تا ایران از طریق آن بتواند کالاهای وارداتی خود را در اروپا خریداری نماید. این منابع از دو روش قابل تحقق است: صادرات نفت یا کالاهای غیرنفتی از ایران به اروپا و تخصیص خط اعتباری از اروپا یا کشور ثالث به ایران. اما با گذشت چند ماه از ایجاد این کانال مالی بین ایران و اتحادیه اروپا، هنوز به مرحله اجرا در نیامده است که یکی از دلایل مهم آن را می‌توان تهدیدهای آمریکا علیه اتحادیه اروپا، در صورت اجرایی شدن اینستکس دانست. از سوی دیگر توان موشکی و دفاعی ایران یکی از نقاط اختلاف بین اتحادیه اروپا و ایران است که اتحادیه اروپا خواهان مذاکره با ایران در این زمینه است و معتقد است تا زمانی که موضوع موشکی ایران رفع نشود راه‌اندازی کانال مالی با ایران غیرممکن خواهد بود. (Zeitung, 2019)

بنابراین آنچه مسلم است این است که عامل پیشران برای ماندن ایران در برجام منوط به اقدامات دیگر اعضای توافق‌نامه از جمله اتحادیه اروپا است؛ چرا که براساس آراء کانت تجارت خارجی انگیزه‌ای برای پیشبرد صلح و افزایش همکاری است و با ایجاد تجارت با ایران صلح تحقق خواهد یافت. به‌طوری‌که هرچه سهم تجارت بین ایران و اتحادیه اروپا بیشتر باشد مبنای سیاسی برای ایفای تعهدات ایران به برجام و ماندن در آن بیشتر خواهد بود. اتحادیه اروپا با تسهیل همکاری‌های بانکی با ایران می‌تواند به مبادلات اقتصادی ایران کمک نماید.

همچنین چین و حتی هند با افزایش و تداوم خرید نفت از ایران می‌توانند موازنه تجاری جمهوری اسلامی ایران را حفظ نمایند، به‌طوری‌که دولت ایران عنوان کرده است: «شرط ما برای ماندن در برجام صادرات ۱/۵ میلیون بشکه نفت در روز است» (Laszlo, 2019). به‌طور کلی می‌توان متذکر شد که ماندن ایران در برجام به حفظ تجارت خارجی با کشورهای عضو برجام از جمله اتحادیه اروپا و انتظارات ایران از اعضا بستگی دارد.

همچنین درک رهبران ایران از اینکه ماندن در توافق برجام مانع شکل‌گیری تقابلات نظامی با آمریکا خواهد شد نیز می‌تواند عامل پیشرانی در جهت ماندن ایران در توافق باشد، به‌طوری‌که حضور ایران در توافق برجام به افزایش همکاری‌های بین‌المللی کمک خواهد کرد و در نتیجه به تقویت چندجانبه‌گرایی منجر و صلح بین‌المللی تضمین خواهد شد.

اما مانع اصلی ماندن ایران در توافق برجام دست نیافتن دولت جمهوری اسلامی ایران به منافع توافق‌شده در برجام از جمله افزایش مبادلات اقتصادی و همکاری‌های بانکی با گروه ۵+۱ است. از دیدگاه کانتی تجارت بین‌المللی عامل مهم و اساسی برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است و اگر دولت ایران به این یقین برسد که طرفین برجام خواهان حفظ مبادلات تجاری و بانکی نیستند، ضرورتی برای ادامه حضور در برجام نخواهد دید. می‌توان ارزیابی نمود خروج دولت آمریکا از برجام در سال ۲۰۱۸ میلادی باعث شکل‌گیری تنش‌های بین‌المللی، به‌ویژه در خاورمیانه گردید. دولت آمریکا به دنبال امنیتی کردن خاورمیانه و خلیج فارس است تا از طریق آن بتواند جمهوری اسلامی ایران را به انزوا بکشاند و آن را کنترل نماید.

در نهایت جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با ماندن در توافق برجام از مزایای دیپلماتیک و سیاسی آن استفاده نماید و همزمان با آن، بر گسترش نفوذ منطقه‌ای، توسعه برنامه موشکی و اقدامات دیپلماتیک چندجانبه‌گرایی خود بیافزاید؛ چراکه حفظ برجام، ایران را با مخالفت جدی بین‌المللی مواجه نخواهد ساخت و می‌تواند با حفظ مواضع خود در سوریه و عراق از یک‌سو و تعریف و تصویب پروژه جدید در حوزه تحقیق و توسعه غنی‌سازی، شرایط متقارن چانه‌زنی با دیگر اعضای برجام از جمله آمریکا را از ادامه دهد. این راهبرد عزم جدی ایران را در تغییر استراتژی از صبر استراتژیک بدون نفع به افزایش هزینه‌های دیگر اعضا در عین ماندن در توافق‌نامه، نشان خواهد داد که خود می‌تواند به تسریع اقدامات جدی‌تر اروپایی‌ها و پذیرش دولت آمریکا به شرایط مذاکره متقارن‌تر با ایران بینجامد؛ راهبردی که ظرفیت گسترده‌ای در تأمین صلح و امنیت جهانی دارد.

۳- سناریوی موجه؛ خروج تدریجی از برجام

به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی ایران بعد از خروج آمریکا از برجام، از میان سناریوهای مختلف سناریوی خروج تدریجی را به عنوان سناریوی موجه انتخاب کرده است؛ زیرا این روش باعث این می‌شود که طرفین غربی به فکر حفظ برجام از طریق پیگیری تعهداتشان باشند و از سوی دیگر فرصت لازم به اعضای برجام از جمله اروپا و آمریکا در جهت اعلام آمادگی برای مذاکره داده خواهد شد. همچنین جمهوری اسلامی ایران این فرصت را دارد در طول زمان با خروج تدریجی از برجام این توافق را به صورت مرحله‌ای بی‌محتوا نماید و بدون تشویش طرفین غربی تأسیسات هسته‌ای خود را دوباره راه‌اندازی کند. پس از خروج ایالات متحده آمریکا از برجام جمهوری اسلامی ایران با به‌کارگیری استراتژی صبر مانع از فروپاشی توافق‌نامه برجام شد. (Walt, 2019) علی‌رغم صبر ایران نسبت به برجام و اعمال تعهدات خود در قبال آن، دیگر اعضای توافق‌نامه مخصوصاً اتحادیه اروپا تلاش عملگرایانه‌ای نسبت به آن انجام نداده‌اند. کانال مالی ایران و اتحادیه اروپا که هدف آن تسهیل مبادلات ارز و کالا بین طرفین است در مرحله حرف باقی مانده است و با توجه به شواهد، اتحادیه اروپا چندان اشتیاقی به اجرایی کردن اینستکس ندارد. مسئولیت‌پذیری ایران سبب شده است که کشورهای عضو برجام کمترین هزینه را برای حفظ آن پرداخت نمایند. بنابراین در شرایط فعلی جمهوری اسلامی ایران در مقابل بدعهدی اتحادیه اروپا می‌تواند سناریو خروج تدریجی از برجام را با توجه به اعمال بسیاری از گزینه‌ها در پیش گیرد. دولت آمریکا در اقدام جدید خود دو معافیت شامل انتقال آب سنگین مازاد به عمان و مبادله اورانیوم غنی‌شده با کیک زرد را تمدید نکرده است. ایران می‌تواند بهره‌برداری از سانتریفیوژهای نسل جدید مانند Ir2m و Ir4 را شروع کند؛ زنجیره‌هایی از این دو نوع سانتریفیوژ که قدرت هر یک از آن حدود ۵ سو است. سانتریفیوژهای نسل IR6 و IR8 هم در زنجیره‌های ۲۰ تایی آماده راه‌اندازی صنعتی است. همچنین می‌توان غنی‌سازی ۳/۶۷ درصدی را از سر گرفت. از سوی دیگر می‌توان نگره‌داری آب سنگین را که براساس برجام ۱۳۰ تن است افزایش داد. (Kerr & Katzman, 2018) البته راهکارهای دیگری از جمله افزایش غنی‌سازی تا ۲۰ درصد، فک پلمپ برخی امکانات هسته‌ای نیز وجود دارد. (عابدینی، ۲۰۱۹)

خروج احتمالی جمهوری اسلامی ایران از برجام نیز می‌تواند نتایج و عواقب زیر را بر سیاست خارجی و اقتصاد ایران به همراه داشته باشد: ۱. با خروج ایران، ایالات متحده آمریکا سعی در تصویب ۶ قطعنامه ماقبل قطعنامه ۲۲۳۱ خواهد کرد و به عبارتی دیگر کشورهای اروپایی و آمریکایی سعی در استفاده از مکانیزم ماشه خواهند کرد. (منظور از مکانیزم ماشه، بندهای ۳۶ و ۳۷ برجام است که این امکان را به طرف‌های برجام می‌دهد که بتوانند در صورت اجرا نکردن

تعهدات ایران تحریم‌های یک‌جانبه را به شرایط قبل از برجام برگردانند). ۲. در غیاب قطعنامه ۲۲۳۱ محور آمریکا - اسرائیل تلاش خواهد کرد که کلیت برنامه هسته‌ای ایران را در قالب فصل هفت منشور سازمان ملل، به عنوان تهدید علیه صلح بین‌المللی قلمداد کند. ۳. آمریکا از طریق ان.پی.تی. (Nuclear Non-Proliferation Treaty (NPT)) تلاش خواهد کرد که ایران را تحت فشار قرار دهد. ۴. با خروج ایران از برجام آمریکا می‌تواند با قدرت‌های جهانی در مورد به انزوا کشیدن جمهوری اسلامی ایران به اجماع برسد. (موسویان، ۲۰۱۹)

علاوه بر تأثیرهای فراوانی که خروج ایران از برجام بر خود آن کشور می‌گذارد می‌توان نتایجی را نیز بر سیاست بین‌الملل تحلیل نمود. در عرصه بین‌الملل ایالات متحده آمریکا به دنبال امنیتی‌سازی ایران خواهد رفت تا از طریق آن بتواند با اجماع جهانی ایران را تحت فشار قرار دهد و در مقابل، این احتمال وجود دارد جمهوری اسلامی ایران برای افزایش هزینه‌های مقابل، تهدیدات منطقه‌ای را با توجه به ظرفیت‌های سیاسی و دیپلماتیک خود طرح‌ریزی کند. (Katzman, 2018) همچنین با خروج ایران از توافق برجام، این موضوع با توجه به انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در سال ۲۰۲۰ به عنوان عاملی مهم می‌تواند بر رأی‌دهندگان آمریکایی تأثیر بگذارد، مخصوصاً اگر هزینه‌های تحمیل‌شده برای ایالات متحده در منطقه خاورمیانه و جهان وسیع باشد احتمال شکست دولت ترامپ در انتخابات ۲۰۲۰ آمریکا وجود خواهد داشت. در عرصه جهانی نیز اسرائیل، عربستان و امارات متحده عربی به دنبال فرصت‌های سیاسی در جهت منزوی کردن ایران خواهند بود. همچنین انتظار می‌رود روسیه از این شرایط به دنبال کسب منافع اقتصادی باشد. (Walt, 2019)

حضور نیروهای آمریکایی در منطقه خلیج فارس را می‌توان یکی از عوامل پیشران در زمینه سناریوی خروج تدریجی ایران از برجام به شمار آورد. اعزام هزار نیروی نظامی جدید، ناو آبراهام لینکلن و همچنین بمب‌افکن‌های بی ۵۲ توسط آمریکا به خلیج فارس می‌تواند از عوامل مهم تحریک جمهوری اسلامی ایران برای خروج از برجام باشد؛ زیرا براساس دیدگاه دشمنی دولت ایران به دلیل تبعیت از مفهوم خودیاری، که نمود اصلی آن دفاع از خود است، ترجیح خواهد داد منافعش را از طریق تکیه بر توانایی‌های خود تأمین نماید. همچنین زمانی ایران دست به همکاری با غرب خواهد زد که منافع ملی‌اش برآورده شود.

منافع غالباً متضاد ایالات متحده آمریکا و جمهوری اسلامی ایران دیگر عامل پیشران در جهت خروج تدریجی ایران از برجام است؛ چرا که رهبران دو کشور بر حسب منفعی که به صورت قدرت دارند به اقدام دست می‌زنند. از بدو پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹ میلادی که با شعار مقابله با امپریالیسم و سلطه آمریکا شکل گرفت، تضاد منافع قابل پیش‌بینی بود. در

سناریوهای پیش روی جمهوری اسلامی ایران در قبال برجام بعد از خروج ایالات متحده آمریکا/۱۷۹

چهارچوب نظام بین‌الملل، ایالات متحده در پی حفظ وضع موجود و جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک دولت، خواهان تغییر وضع موجود بوده است.

عامل بازدارنده در خروج ایران از برجام تأمین منافع برجانی ایران از سوی بازیگران اروپایی و چین و روسیه است؛ زیرا براساس دیدگاه هابزی تنها قدرت را می‌توان با قدرت مهار نمود و تأمین مافع مهم‌ترین اصل است و وفای به عهد و معرفت چندان مورد توجه دیدگاه واقع‌گرایان از جمله هابز نیست. (هابز، ۱۳۹۵) اتحادیه اروپا برای افزایش همکاری‌های اقتصادی با ایران از جمله کانال مالی و همکاری‌های بانکی می‌تواند مانع خروج تدریجی ایران از برجام گردد. از سوی دیگر چین می‌تواند با خرید نفت از ایران منافع اقتصادی جمهوری اسلامی را از برجام تضمین نماید.

با اعلام فرصت ۶۰ روزه جمهوری اسلامی اتحادیه با راه‌اندازی سامانه مالی اینستکس (Instrument in Support of Trade Exchanges (INSTEX)) و ایجاد اولین تراکنش مالی با جمهوری اسلامی و دادن وعده‌های بزرگ خواهان ممانعت ورود ایران به فاز دو کاهش تعهدات خود در قبال برجام است و دولت آمریکا نیز با چراغ سبز خود به اینستکس و اولین تراکنش مالی آن به دنبال خروج ایران از برجام نیست. اما این بدان معنا نیست که دولت آمریکا بخواهد از اعمال فشار بر ایران کم نماید، زیرا برای این کشور تغییر دوباره سیاست‌ها در قبال جمهوری اسلامی ایران بسیار پرهزینه خواهد بود. آیا اتحادیه اروپا خواسته‌های ایران را در دو حوزه نفتی و بانکی تأمین می‌نماید؟ جواب خیر است. اتحادیه اروپا در بیانیه تأسیس اینستکس در ژانویه ۲۰۱۹ حوزه کاری این کانال مالی را در بخش‌های دارویی و کشاورزی و غذایی مشخص نموده است. هدف کشورهای اروپایی مدیریت تنش آمریکا با ایران از یک سو و ممانعت از کاهش تعهدات برجانی ایران است. بنابراین می‌توان گفت اتحادیه اروپا با ایجاد تراکنش مالی با دولت جمهوری اسلامی ایران می‌تواند منافع ملی جمهوری اسلامی ایران را در حوزه نفتی و بانکی تأمین نماید و از طریق آن تنش موجود بین ایران و آمریکا را کاهش دهند و مانع خروج ایران از برجام شود.

۴- سناریو مطلوب؛ بازگشت آمریکا به برجام و ایفای تعهدات خود

بازگشت آمریکا به توافق هسته‌ای کمک خواهد کرد تا این کشور راهبرد ملی گسترده‌تری را برای خود در خاورمیانه پی‌ریزی نماید. توافق اولیه با ایران یک تلاش راهبردی بلندمدت و متمرکز با هدف جلوگیری از برنامه ایران برای ساخت سلاح هسته‌ای بوده است. بازگشت آمریکا به برجام در دو صورت متصور است: تغییر دولت آمریکا بعد از انتخابات ۲۰۲۰، و یا تغییر سیاست‌های دولت ترامپ. بازگشت آمریکا به برجام و رفع تحریم‌ها می‌تواند شرایط لازم

را برای مذاکره با ایران فراهم آورد. اما با وجود دولت ترامپ این بازگشت می‌تواند به صورت مشروط باشد که در آن جمهوری اسلامی ایران ملزم به پذیرش شرایط آمریکا باشد. این شروط که مایک پمپئو، وزیر خارجه آمریکا، تحت عنوان ۱۲ شرط آمریکا برای بازگشت به برجام مطرح نموده است شامل: توقف غنی‌سازی اورانیوم و تولید پولوتونیم توسط ایران، توقف کامل توسعه موشکی بالستیک، قطع کامل حمایت جمهوری اسلامی ایران از حزب‌الله و حماس، خروج کامل نیروهای ایرانی از سوریه و عراق و پایان حمایت سپاه پاسداران از گروه‌های تروریستی است. مقامات جمهوری اسلامی ایران برای بازگرداندن آمریکا به توافق برجام ملزم به رعایت شروط این کشورند. از سوی دیگر جمهوری اسلامی تنها راه مذاکره با آمریکا را بازگشت این کشور به برجام و اجرای کامل تعهدات خود عنوان نموده است که تنها چند سناتور دموکرات خواهان بازگشت آمریکا به برجام هستند. (Kerr & Katzman, 2018)

اتحادیه اروپا برای حفظ برجام خواستار این است که دولت آمریکا برای بازگشت به توافق اقدام نماید، زیرا کشورهای اروپایی معتقدند که این توافق باعث شکل‌گیری چندجانبه‌گرایی میان قدرت‌های بزرگ شده است و با خروج از آن، نقش دیپلماسی در منازعات بین‌المللی کاهش خواهد یافت، در نتیجه تنش‌های منطقه‌ای تشدید خواهد شد. با خروج آمریکا از برجام نهادهای بین‌المللی تضعیف می‌شوند، زیرا این توافق مشروعیت خود را از شورای امنیت سازمان ملل و پیمان منع گسترش تسلیحات اتمی گرفته است. بعد از اعلام ترامپ مبنی بر خروج از توافق، روابط اتحادیه اروپا و آمریکا با نوعی فاصله مواجه شد؛ چراکه دولت آمریکا با خروج یکجانبه خود منافع اتحادیه اروپا را نادیده گرفته و تنها در پی تحقق اهداف خود است. با بازگشت ایالات متحده آمریکا به برجام نتایج منفی مذکور از بین خواهد رفت. علاوه بر حمایت‌های اتحادیه اروپا برای حفظ برجام افکار عمومی اروپایی نیز خواهان بازگشت آمریکا به برجام شدند، زیرا کشورهای اروپایی معتقدند که راه حل دیپلماتیک می‌تواند بهترین گزینه برای مهار ایران باشد.

یکی از عوامل پشیمان در تحقق بازگشت آمریکا به توافق برجام، حضور ایران و پایبندی به تعهدات خود است تا بتواند فشارهای اقتصادی ایالات متحده را از طریق کمک‌های اتحادیه اروپا تحمل نماید که در نهایت با انتخابات ریاست جمهوری آمریکا و انتخاب احتمالی دموکرات‌ها، دوباره این کشور به توافق برجام بازگردد؛ چرا که دونالد ترامپ با این ادعا که توافق برجام هیچ دستاوردی برای ایالات متحده به همراه نداشته است از آن خارج شد. درواقع با متعهد نبودن بازیگران نسبت به برجام، این توافق به جای تسری، به تلاش برای بازگشت آمریکا محدود ماند. حال اگر براساس دیدگاه نوکارکردگرایی، دولت آمریکا به پایبندی ایران به برجام پی برید این امکان وجود دارد که به برجام بازگردد. (Brewer, 2019)

سناریوهای پیش روی جمهوری اسلامی ایران در قبال برجام بعد از خروج ایالات متحده آمریکا/۱۸۱

انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده آمریکا می‌تواند یکی از عوامل پیشران در جهت بازگشت آمریکا به برجام باشد، به طوری که بسیاری از نامزدهای ریاست جمهوری آمریکا از جمله نامزدهای دمکرات قول بازگشت آمریکا به برجام را مطرح کرده اند، به این دلیل که دموکرات‌ها معتقدند توافق برجام دستاوردهای سیاسی فراوانی برای ایالات متحده و سایر بازیگران بین‌المللی داشته است و بازگشت به آن می‌تواند موجب برآوردن منافع ایالات متحده شود.

بنابراین می‌توان این گونه ارزیابی نمود که ایالات متحده آمریکا خواهان مذاکره با جمهوری اسلامی ایران است و احتمال بازگشت آن به برجام وجود دارد. اما اعتمادسازی دوباره بین طرفین برای ایجاد توافق امری دشوار به نظر می‌رسد؛ زیرا با خروج آمریکا، مقامات ایرانی اعتمادی به این کشور نخواهند داشت، مگر اینکه دولت آمریکا حسن نیت خود را از طریق لغو تحریم‌ها نشان دهد.

نتیجه‌گیری

با عنایت به آنچه گذشت و با توجه به رویکردهای نظری روابط بین الملل، چهار سناریو پیش روی جمهوری اسلامی ایران در قبال خروج آمریکا از برجام متصور بوده است: سناریوی اول ممکن که براساس دیدگاه گروسیوسی است مذاکره با آمریکا را در مورد تجدیدنظر در برجام واکاوی می‌کند. در این سناریو، جمهوری اسلامی ایران و آمریکا در عین رقابت و دشمنی می‌توانند از طریق دیپلماسی از اقدامات خشونت‌آمیز نسبت به یکدیگر بکاهند، به طوری که ایالات متحده با تمدید دوباره معافیت خرید نفت و همکاری با ایران در زمینه بانکی فضای متشنج را به سمت مذاکره پیش ببرد که این امر مستلزم اعتمادسازی میان طرفین است تا آنجا که کشورهای نظیر ژاپن، عمان و عراق در صدد میانجیگری بین طرفین برآمده‌اند تا از تنش موجود در روابط آمریکا و ایران بکاهند. در صورت تحقق مذاکره بین ایران و آمریکا از احتمال بروز جنگ بین طرفین کاسته می‌شود، جنگی که نه تنها کشورهای منطقه خاورمیانه را با بحران جدی روبه‌رو می‌سازد، بلکه اقتصاد کشورهای متکی به نفت خلیج فارس از جمله هند، چین و ژاپن را نیز با مشکل مواجه می‌نماید. از سوی دیگر، در سناریوی مزبور اولاً دولت ترامپ با ابزار مذاکره با جمهوری اسلامی ایران می‌کوشد به استقبال انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۰ آمریکا برود و به نوعی انتخابات را به نفع جمهوری خواهان رقم زند، ثانیاً با مذاکره ایران و آمریکا می‌توان این انتظار را داشت که بسیاری از فشارهای اقتصادی و سیاسی بین‌المللی بر ایران کاسته شود. در فضای بین‌المللی نیز تنش‌زدایی از مناسبات ایران و آمریکا مانع از تشکیل مثلث قدرت روسیه، چین و ایران می‌شود که می‌تواند به شدت بر منافع دولت آمریکا تأثیرگذار

باشد؛ مضافاً آنکه در سطح منطقه‌ای این امکان را به دولت آمریکا خواهد داد که رفتار ایران را تعدیل نماید.

سناریوی دوم سناریوی محتمل است که فراروی جمهوری اسلامی ایران قرار دارد و آن ماندن در توافق برجام مبتنی بر دیدگاه کانتی در روابط بین‌الملل است. در این سناریو جمهوری اسلامی ایران شرط ماندن در برجام را تامین منافع اقتصادی و سیاسی ایران از برجام می‌داند و معتقد است تا زمانی که کانال مالی ایران و اتحادیه اروپا به مرحله عمل نرسد ایران از تعهدات خود در قبال برجام خواهد کاست. اتحادیه اروپا نیز با هدف اتلاف وقت، انجام هرگونه تجارت با ایران را به موضوعات موشکی و منطقه‌ای مرتبط می‌سازد. دولت آمریکا در تلاش است تا هزینه‌های ایران را برای ماندن در توافق برجام افزایش دهد. براساس دیدگاه کانتی، تجارت و مراودات اقتصادی، زمینه لازم را در جهت پیشبرد صلح و همکاری فراهم می‌آورد. از این رو رفع تحریم‌ها علیه ایران و گسترش مراودات می‌تواند به عنوان پیشران تحقق این سناریو مطرح باشد.

سناریوی سوم سناریوی مطلوب است که به نوعی سناریوی آرمان‌گرایانه است، و مربوط به بازگشت آمریکا به برجام و ایفای تعهدات اقتصادی و سیاسی از سوی این کشور است. این سناریو براساس دیدگاه واهمگرایانه نوکارکردگرایی این تفسیر را مطرح می‌کند که دولت دونالد ترامپ در آمریکا بعد از قدرت گرفتن به این نتیجه رسید که منافع عاید از برجام برای ایالات متحده ناچیز است؛ چرا که جمهوری اسلامی هر روز بر قدرت منطقه‌ای خود می‌افزاید، به همین دلیل مفهوم بازگشت از توافق برجام را در اردیبهشت ۱۳۹۷ اجرایی نمود. حال بازگشت آمریکا به برجام به دو صورت قابل تصور است. تغییر و چرخش سیاست دولت ترامپ، یا تغییر دولت آمریکا در انتخابات ۲۰۲۰. مورد اول به نظر غیر محتمل است اما با توجه به انتخابات ۲۰۲۰ مورد دوم چندان دور از انتظار نیست. بنابر این یکی از عوامل مهم در جهت بازگشت دولت آمریکا به این توافق روی کار آمدن رئیس‌جمهوری جدید در انتخابات ۲۰۲۰ از حزب دموکرات است؛ چرا که دموکرات‌ها معتقدند که توافق برجام یک توافق جامع و همه‌جانبه است که دولت آمریکا توانست از طریق آن جمهوری اسلامی ایران را در مسائل هسته‌ای و منطقه‌ای محدود نماید.

سناریوی چهارم سناریوی موجه و عقلانی است که مبتنی بر رویکرد واقعگرایی در روابط بین‌الملل است. در شرایطی که سناریوی مطلوب تحقق نیافته جمهوری اسلامی ایران سناریویی که در پیش گرفته سناریوی موجه و مبتنی بر خروج تدریجی از برجام است. این سناریو براساس دیدگاه هابزی مورد بررسی قرار گرفت. جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با خروج تدریجی از برجام مقدمات لازم را در جهت اقدام عملی اتحادیه اروپا برای حفظ توافق و انجام

سناریوهای پیش روی جمهوری اسلامی ایران در قبال برجام بعد از خروج ایالات متحده آمریکا/۱۸۳

همکاری‌های اقتصادی فراهم آورد. از سوی دیگر با اقدامات مرحله‌ای و مستمر فرصت مذاکره با کشورهای عضو برجام و حتی آمریکا را نیز از دست نخواهد داد. براساس دیدگاه هابزی دولت‌ها در حال دشمنی با یکدیگر به سر می‌برند و تنها دولت‌های ملی می‌توانند منافع خود را تضمین نمایند. به عبارتی جمهوری اسلامی ایران با خروج تدریجی از برجام به دنبال تحقق مفهوم خودیاری است. از عوامل پیشران در تحقق این سناریو حضور نیروهای آمریکایی در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس است؛ چرا که جنگ و تقابل نظامی یکی از عوامل مهم و کنترل‌ناپذیر در بازی قدرت بین ایران و آمریکا به شمار می‌آید.

منافع غالباً متضاد این دو بازیگر نیز عامل پیشران در خروج تدریجی ایران از برجام محسوب می‌شود. از بدو پیروزی انقلاب اسلامی، دولت آمریکا در پی حفظ وضع موجود است، اما دولت ایران به دنبال تغییر وضع موجود در نظام بین‌الملل بوده است. بنابراین منافع ملی متضاد سیاست‌های مبتنی بر دشمنی را در این دو کشور شکل داده است. با خروج جمهوری اسلامی ایران از برجام می‌توان انتظار داشت نتایجی از قبیل: بازگشت قطعنامه‌های تحریمی ماقبل قطعنامه ۲۲۳۱ و استفاده کشورهای اروپایی و آمریکا از مکانیزم ماشه، تلاش محور آمریکا-اسرائیل برای قرار دادن کلیت برنامه هسته‌ای ایران ذیل فصل هفت منشور سازمان ملل به عنوان تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی، همسو شدن کشورهای غربی و متحدانشان در جهت منزوی ساختن ایران در ساختار نظام بین‌الملل و در نهایت تلاش دولت آمریکا در امنیتی ساختن جمهوری اسلامی ایران، در بر داشته باشد. در مقابل، جمهوری اسلامی ایران با تشکیل باشگاه کشورهای تحریمی، ایجاد موازنه سبب‌بعدی منطقه‌ای و بازدارندگی شبکه‌ای با تکیه بر محور مقاومت و نیز تقویت سیاست نگرش به شرق در راستای تضعیف محور غربی _ عبری _ عربی گام برخواهد داشت. با این همه در چارچوب سناریوی موجه جمهوری اسلامی کوشیده با سناریوی خروج تدریجی ضمن کاستن زیانها خروج یکباره از برجام، و در عین حال ملزم به ماندن در برجام تهی شده از منافع مورد نظر خود و اجرای خواسته‌های بازیگر رقیب نباشد.

با توجه سناریویی که ایران ر پیش گرفته است و با توجه به وجود برخی اختلاف نظرها در رویکرد اتحادیه اروپا و دولت آمریکا در قبال ایران، شایسته است سیاست هوشمندانه از سوی ایران برای کاهش فشارهای روانی و اقتصادی در قبال سیاست‌های کشورهای غربی علیه ایران اتخاذ شود. دولت آمریکا سعی در ایجاد ابهام در ذهن سیاست‌گذاران ایرانی دارد به گونه‌ای که با موضع‌گیری‌های کاملاً متضاد و مبهم در صدد آن است که ابتکار عمل را از ایران در زمینه‌های مختلف سلب نماید. سیاست‌های آمریکا بیشتر معطوف به افزایش محدودیت‌های راهبردی، اعمال فشارهای روانی و اقتصادی و به دنبال آن ایجاد نارضایتی بین مردم ایران است.

جمهوری اسلامی ایران باید از طریق چندجانبه‌گرایی، تنوع‌بخشی به تعاملات راهبردی، و تقویت همکاری‌های چندموضوعی با اتحادیه اروپا سعی نماید تا تاثیر تحریم‌های یکجانبه آمریکا را به حداقل برساند. همچنین جمهوری اسلامی ایران می‌تواند هزینه‌های خروج از برجام را برای آمریکا از طریق دیپلماسی و فشارهای سیاسی افزایش دهد. همچنین با شناخت صحیح و دقیق از محیط بین‌الملل و عوامل عینی تأثیرگذار بر قدرت، منافع و امنیت ملی، سیاست‌گذاری هوشمندانه پیرامون برجام و در قبال کشورهای غربی را با اتکا به سیاست همسایگی به منصفه ظهور رساند. جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجی خود می‌تواند با کشورهای همسایه و کشورهایی که وجه مشترکی با ایران دارند ارتباط نزدیک‌تری برقرار نماید؛ چرا که براساس بازی با حاصل جمع متغیر، امنیت کشورهای همسایه ایران به مثابه امنیت جمهوری اسلامی ایران تلقی می‌شود و عدم ثبات و امنیت این کشورها به معنای ناامنی ایران قلمداد می‌شود. در شرایط فعلی، با عنایت به لزوم تحقق امنیت مشترک در منطقه خاورمیانه، تقویت امنیت و ثبات در تعامل با همسایگان یکی از اولویت‌های اصلی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود.

کتابنامه

۱. اندیشکده صدق. (۱۳۹۴). گزارش ناخوانده از سرانجام یک مسیر: ساختار و تأثیر تحریم‌ها در حوزه‌های نفتی، مالی و بانکی و پتروشیمی.... تهران: انتشارات مجد اسلام.
۲. دوئرتی، جیمز و فالتزگراف، رابرت. (۱۳۹۰). نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل. مترجم: وحید بزرگی، علیرضا طیب. تهران: نشر قومس.
۳. سیف‌زاده، حسین. (۱۳۶۸). نظریه‌های مختلف در روابط بین‌الملل. تهران: انتشارات سفیر.
۴. قاسمی، فرهاد. (۱۳۹۱). اصول روابط بین‌الملل. تهران: نشر میزان.
۵. غضنفری، کامران. (۱۳۹۴). پرونده هسته‌ای و ابعاد پیدا و پنهان آن. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۶. مشیرزاده، حمیرا. (۱۳۹۴). تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل. تهران: انتشارات سمت.
۷. ونت، الکساندر. (۱۳۸۴). نظریه اجتماعی سیاست بین‌الملل. مترجم: حمیرا مشیرزاده. تهران: انتشارات وزارت خارجه.
۸. هابز، توماس. (۱۳۹۵). لویاتان. مترجم: حسین بشیریه، تهران. نشر نی.
۹. اسکویی، سید باقر. (۱۳۹۷، ۱۹ دی). «حفظ یا خروج از برجام؟». مجله تجارت فردا. شماره ۲۷. ۳۰۳.

- سناریوهای پیش روی جمهوری اسلامی ایران در قبال برجام بعد از خروج ایالات متحده آمریکا/۱۸۵
۱۰. بامری، مسلم. (خرداد ۱۳۹۷). «برجام و تأثیر آن بر مناسبات اقتصادی ج.ا.ایران». *پژوهش ملل*. شماره ۳۰. ۴۳ - ۶۰.
۱۱. حاجی‌مین، رحمت. صالحی، اکرم. (۱۳۹۷). «تجزیه و تحلیل دو گفتمان متعارض اروپا و آمریکا در قبال برجام». *فصلنامه پژوهش‌های بین‌الملل*. شماره ۲۷. صص ۲۱۵ تا ۲۴۴.
۱۲. دلاورپوراقدم، مصطفی. دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال. (پاییز ۱۳۹۷). «برآورد سیاست‌های تحریمی کنگره آمریکا در دوران پسابرجام». *پژوهش‌های راهبردی سیاست*. شماره ۲۶. ۱۲۱ - ۱۴۰.
۱۳. رحمتی، رضا. (۱۳۹۴، ۲۰ دی). «پنج راهبرد آمریکا بعد از برجام». *ایرنا مقاله*. برگرفته از www.article.irna.ir
۱۴. عابدینی، حسن. (۱۳۹۸، ۱۶ اردیبهشت). «گزینه‌های ایران مقابل بدعهدی غربی‌ها در برجام». *مشرق نیوز*. برگرفته از www.mashregnews.com
۱۵. متقی، ابراهیم. (۱۳۹۷، ۲۲ آبان). «مختصات دیپلماسی جدید». *دنایای اقتصاد*. برگرفته از www.donya-e-eqtasad.com
۱۶. موسویان، سید حسین. (۱۳۹۸، ۱۸ اردیبهشت). «ایران نیازمند اقدامی قاطع است». *روزنامه دنایای اقتصاد*. شماره خبر: ۳۵۲۳۳۵۱. برگرفته از www.donya-e-eqtasad.com
۱۷. نیکولاد، فرانسیس. (۱۳۹۸، ۱ خرداد). «فرار از بدترین احتمال ممکن بین ایران و آمریکا امکان‌پذیر است». *دیپلماسی ایرانی*. برگرفته از www.irdiplomacy.ir

References

1. Nephew, Richard. (2017). *Art of Sanctions (the view from the field)*. Colombia university press. Access in https://books.google.com/books?id=Hlg_DwAAQBAJ&printsec=frontcover&dq=inauthor, Retrieved on 20 Sep. 2019
2. Rialland, A. & K.E. Wold (2009) Future Studies Foresight and Scenarios as Basis for Better Strategic Decisions. NTNU Trondheim
3. Sedgh Think Tank, (2015), *Unread Report on the end of a Path: The Structure and impact of Sanctions in the Fields of oil, Finance, Banking and petrochemicals*. Tehran: Majde Islam Publication. (In Persian)
4. Doherty, James and Faltzgraf, Robert (2011). *Conflicting Theories in International Relations*. Translator: Vahid Bozorgi, Alireza Tayeb, Tehran: Ghoumes publication. (In Persian)
5. Seifzade, Hossein. (1989). *Various Theories in International Relations*, Tehran: Safiir Publication. (In Persian)
6. Ghasemi, Farhad (2012). *Principles of International Relations*, Tehran; Mizan Pubication. (In Persian)

7. Ghazanfari, Kamran, (2015), *Nuclear Case and Its Hidden and Visible Dimensions. Tehran*: Islamic Revolution Documentary Center. (In Persian)
8. Moshirzadeh, Homeira, (2015) *Evolution in Theories of International Relations*. Tehran; Samt Publication. (In Persian)
9. Wendt, Alexander (2005) *Social Theory of international Politics*. Translator: Homeira Moshirzadeh, Tehran: Ministry for Foreign Affairs Publication. (In Persian)
- a. Hobbes, Thomas (2016) *Leviathan*, **Translator: Hossein Bashirieh**. Tehran: Ney Publication. (In Persian)
10. Oskooi, Seyed Baqer (2018, 19 January). Maintaining or leaving JCPOA?. *Tomorrow Business Magazine*. Issue 303. p 27. (In Persian)
11. Bamri, Muslim. (June 2018). Borjam and its impact on the economic relations of the Islamic Republic of Iran. *Nations Research*, Issue 30, Pp. 43- 60. (In Persian)
12. Hajimineh, Rahmat. Salehi, Akram. (1397). Analysis of two conflicting European and American discourses towards JCPOA. *Quarterly Journal of International Research*. No. 27. Pp. 215 to 244. (In Persian)
13. Delavarpour Aghdam, Mustafa. Dehghani Firouzabadi, Seyed Jalal. (Autumn 2018). Estimating US Congressional Sanctions Policy in the Post-JCPOA Era. *Politics' Strategic Researches*. No. 26. Pp. 121 -140. (In Persian)
14. Rahmati, Reza. (2015, January 11). Five US Strategies after JCPOA. *IRNA Article*. Retrieved from www.article.irna.ir, accessed on 21 Feb 2019. (In Persian)
15. Abedini, Hassan. (2019, May 6) Iran's options against Western non-commitment in JCPOA, *Mashreq News*, Retrieved from www.mashreqnews.com, accessed on 20 Sep. 2019. (In Persian)
16. Mottaqi, Ibrahim. (1397). Particularities of the new diplomacy. *The world of economy*. Retrieved from www.donya-e-eqtasad.com, accessed on 18 Oct. 2019. (In Persian)
17. Mousavian, Seyed Hossein (2019, May 9). Iran needs decisive action. *World Economy Newspaper*. News number: 3523351. Retrieved from www.donya-e-eqtasad.com, accessed on 11 Dec. 2019. (In Persian)
18. Nicolad, Francis. (2019, May 21). It is possible to escape the worst possible situation between Iran and the United States. *Iranian diplomacy*. Retrieved from www.irdiplomacy.ir, accessed on 17 May 2019. (In Persian)
19. Csicsmann, Laszlo (2019). Struggling for a Sustainable Economy: Iran after the JCPOA, MENARA
20. Kerr, Paul K. & Katzman, Kenneth (2018) Iran Nuclear Agreement and U.S Exit, Congressional Research Service, July 20,
21. Norman, Laurence. (May 9, 2019). EU Fights Uphill Battle to Save Iran deal. *WSJ*. Accessed in <https://www.wsj.com/articles/europe-rejects-irans-ultimatum-on-nuclear-deal-11557394228>, Retrieved on 17 Dec. 2019

22. Rosenberg, Elizabeth & Goldenberg, Ilan (May 10, 2019) There is Still Time for Diplomacy with Iran. Foreign Policy, Accessed in <https://foreignpolicy.com/2019/05/10/there-is-still-time-for-diplomacy-with-iran-united-states-trump>, Retrieved on 17 Dec. 2019
23. Seib, Gerald. F. (May 21, 2019). Why Talks Between U.S. and Iran Aren't Implausible? WSJ. Accessed in <https://www.wsj.com/video/why-talks-between-the-us-and-iran-arent-implausible/05400EC7-FA25-43C8-A635-5150DCD194F2.html>, Retrieved on 17 Dec. 2019
24. Shear, Michael. D. (June 20, 2019). Strike on Iran Approved by Trump, Then Abruptly Pulled Back. The New York Times. Accessed in <https://www.nytimes.com/2019/06/20/world/middleeast/iran-us-drone.html>, Retrieved on 17 Dec. 2019
25. Tabatabai, Ariane. (May 10, 2019). Can Anyone Save the Iran Nuclear Deal? The New York Times. Accessed in <https://www.nytimes.com/2019/05/10/opinion/iran-nuclear-deal.html>, Retrieved on 17 Dec. 2019
26. Vivaldelli, Roberto. (March 22, 2019). Interview with Mearsheimer. Lobe Log. Accessed in <https://lobelog.com/interview-with-mearsheimer>, Retrieved on 17 Dec. 2019
27. Walt, Stephan. M. (February 3, 2017) Trump Has Already Blown It. Foreign Policy. Access in <https://foreignpolicy.com/2017/02/03/trump-has-already-blown-it>, Retrieved on 17 Dec. 2019
28. Walt, Stephan. M. (May 2, 2018). Europe Has No Clue How Handle an American Bully. Foreign Policy. Access in <https://foreignpolicy.com/2018/05/02/europe-has-no-clue-how-to-handle-an-american-bully>, Retrieved on 17 Dec. 2019
29. Walt, Stephan. M. (May 6, 2019). If Nobody Knows Your Iran Policy, Does It Even Exist? Foreign Policy. Access in <https://foreignpolicy.com/2019/05/06/if-nobody-knows-your-iran-policy-does-it-even-exist-bolton-trump>, Retrieved on 17 Dec. 2019

پرتال جامع علوم انسانی